

Developing a Model for the Formation of Religious Identity in Girls Based on Parenting Styles: A Qualitative Grounded Theory Study

Zahra Eslami
Khouzani 

Master of Counseling, Refah University, Tehran, Iran

Zahra Sadat Pour
Seyyed Aghaei *

Assistant Professor, Department of Counseling,
Faculty of Education and Psychology, Alzahra
University, Tehran, Iran

Mojtaba Haghani
Zemeydani 

Ph.D. in Counseling, Department of Educational
Sciences and Counseling, University of Guilan, Rasht
Iran

Accepted: 21/09/2025

Received: 06/10/2024

ISSN: 2345-6051

eISSN: 2476-6178

Abstract

One of the most influential factors in the religious identity of children is the family. Therefore, to nurture a young generation with a religious identity, it is crucial to pay attention to the family and its parenting style. The aim of this study was to develop a model for the formation of religious identity in girls based on parental parenting styles. This study is qualitative and employs a systematic grounded theory approach. The study population consisted of parents with at least one daughter who is a university student with a religious identity. Participants were selected using purposive sampling and other inclusion criteria. Data were collected through semi-structured, in-depth interviews, reaching theoretical saturation by the eighteenth interview. The data obtained from the interviews were analyzed using Strauss and Corbin's constant comparative method in three stages (open coding, axial coding, and selective coding). The analysis

* Corresponding Author: zpsaghaei@alzahra.ac.ir

How to Cite: Eslami Khouzani, Z., Pour Seyyed Aghaei, Z. S., Haghani Zemeydani, M. (2025). Developing a Model for the Formation of Religious Identity in Girls Based on Parenting Styles: A Qualitative Grounded Theory Study, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 16(63), 47-84. DOI: 10.22054/qccpc.2025.81440.3350

yielded 201 open codes, 17 axial codes, and 5 selective codes: Religious Responsible Parenting; Preparation of Religious Educational Context; Barriers/Facilitators; Tawhid-Based Interactive Upbringing; Realization of Ṭayyibah Life (Pure Life). This research enhances theoretical understanding of religious identity formation contexts in adolescents while providing faith-oriented families with practical guidelines rooted in parenting styles. The model establishes an operational framework for youth education by elucidating the pivotal role of religiously responsible parenting styles.

Keywords: Identity, Parenting, Religiosity, Adolescent Girls.



تدوین الگوی تکوین هویت دینی در دختران بر اساس سبک‌های تربیتی والدین: مطالعه کیفی داده‌بنیاد

زهره اسلامی خوزانی ^{ID}

کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده رفاه، تهران، ایران

زهراسادات پورسیدآقایی * ^{ID}

استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی،
دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

مجتبی حقانی زمیدانی ^{ID}

دکتری مشاوره، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه گیلان،
رشت، ایران

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مؤثرترین عوامل در هویت دینی فرزندان، خانواده است. لذا برای تربیت نسلی جوان با هویتی دینی، لزوم توجه به خانواده و سبک تربیتی آن اهمیت پیدا می‌کند؛ ازاین‌رو هدف پژوهش حاضر، تدوین الگوی تکوین هویت دینی در دختران بر اساس سبک‌های تربیتی والدین بود. روش: پژوهش حاضر، کیفی و از نوع نظریه داده‌بنیاد است. جمعیت مورد مطالعه، والدین دارای حداقل یک فرزند دختر دانشجو با هویت دینی بود که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و رعایت سایر معیارهای ورود، برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق، گردآوری شد و اشباع نظری در مصاحبه هجدم محقق شد. داده‌های حاصل از مصاحبه، با بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه مداوم استراوس و کوربین در سه مرحله (کدگذاری باز، محوری و انتخابی)، تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها: در تحلیل یافته‌ها ۲۰۱ کد باز، ۱۷ کد محوری و ۵ کد انتخابی «والدگری مسئولانه دینی؛ تدارک بافت تربیت دینی؛ موانع / تسهیلگرها؛ تربیت تعاملی توحیدمحور و تحقق حیات طیب» حاصل شد. نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش ضمن ارتقای بینش نسبت به بسترهای شکل‌گیری هویت دینی در نوجوانان، به خانواده‌های دغدغه‌مند تربیت دینی، رهنمودهای کاربردی مبتنی بر سبک‌های والدگری ارائه می‌دهد. این الگو با تبیین نقش محوری سبک تربیتی مسئولانه دینی، چارچوبی عملیاتی برای تربیت نسل جوان فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: هویت، والدگری، دینداری، دختران.

* نویسنده مسئول: zspasaghaei@alzahra.ac.ir

مقدمه

نوجوانی دوره تغییر و تحولات مهم است. بازه سنی نوجوانی را می‌توان از ۱۰ تا ۲۴ سال در نظر گرفت (ساویر^۱، ۲۰۱۸: ۲۲۳-۲۲۸). در سنین نوجوانی رشد در ابعاد شناختی، اجتماعی، جسمانی و هیجانی و تغییر در مفهوم خود صورت گرفته و شخصیت شکل می‌گیرد (آزادی‌طالب و خدابخشی کولایی، ۲۰۲۵). این دوره از زندگی با پرسش‌های عمیق هستی‌شناسانه درباره آینده، مرگ، معنای زندگی و هویت شخصی (من کیستم؟) آغاز می‌شود. این دوره، مرحله بنیادین بر ساخت نظام معنایی شخصی است که طی آن نوجوان باید با یکپارچه‌سازی اطلاعات متعارض، تصویر منسجمی از جهان و خود بسازد (حقانی‌زمیدانی، حق‌پرست، اسمعیلی و عظیمی، ۱۴۰۳)؛ به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تغییرات دوره نوجوانی، دستیابی به یک مفهوم منسجم و پایدار از خود و شکل‌گیری هویت^۲ است (سلطان محمدی و پورسید آقایی، ۱۴۰۲). هویت، پاسخ به کیستی و چیستی انسان و زمینه‌ساز زندگی اجتماعی است. یکی از وظایف کلیدی رشد در نوجوانی ایجاد یک هویت منسجم است (برانژه، ۲۰۲۲: ۶-۱). در میان عناصر گوناگون هویتی، دین به عنوان اصلی‌ترین عنصر هویت‌ساز و عامل ایجاد انسجام و وحدت در جامعه ایرانی شناخته می‌شود (دل‌بند و نیکونهاد، ۱۴۰۴). لذا یکی از جنبه‌های مهم هویت، هویت دینی است. هویت دینی پدیده‌ای چندوجهی است و متضمن سطحی از دینداری است که به «ما»ی جمعی یا همان اجتماعی دینی مربوط می‌شود و نشان‌دهنده احساس تعلق به دین و جامعه دینی است (صمدی، ۱۴۰۱). شکل‌گیری یک هویت منسجم و پایدار و دستیابی به تعریفی دقیق و کامل از خود، مهم‌ترین جنبه رشد روانی و اجتماعی در دوره نوجوانی و جوانی است. همچنین انتخاب ارزش‌ها و باورها و یافتن هویت دینی مشخصه‌های اصلی این هویت را تشکیل می‌دهد (سلگی، ۱۳۸۹).

یکی از مبانی روان‌شناختی کلیدی در فهم هویت دینی نوجوانان، نظریه اریکسون^۳

1. Sawyer
2. identity
3. Erikson

است. اریکسون (۱۹۶۸، به نقل از ماهروزاده، ۱۳۹۲) نوجوانی را مرحله «هویت در مقابل سردرگمی نقش» معرفی می‌کند که طی آن فرد با بحران هویت مواجه می‌شود. حل موفقیت‌آمیز این بحران منجر به شکل‌گیری حس یکپارچگی و وفاداری به ارزش‌ها (ازجمله ارزش‌های دینی) می‌گردد، درحالی‌که شکست در آن به پراکندگی هویت و بی‌هدفی می‌انجامد. مارسیا^۱ (۱۹۶۶؛ به نقل از فیروزی و امامی، ۱۳۹۸) با بسط نظریه اریکسون، دو فرآیند محوری را در شکل‌گیری هویت برمی‌شمارد: کاوش^۲ (جست‌وجوی فعال در باورها، ارزش‌ها و نقش‌ها) و تعهد^۳ (پایبندی به انتخاب‌های ناشی از کاوش). ترکیب این دو بعد، چهار وضعیت هویتی را ایجاد می‌کند: (۱) هویت کسب‌شده^۴ (کاوش / تعهد): باورهای دینی پایدار مبتنی بر بررسی آگاهانه؛ (۲) هویت زودرس^۵ (عدم کاوش / تعهد): پذیرش غیرانتقادی باورهای والدین؛ (۳) هویت تعلیقی^۶ (کاوش / عدم تعهد): آزمون گزینه‌های دینی بدون انتخاب نهایی؛ (۴) هویت پراکنده^۷ (عدم کاوش / عدم تعهد): بی‌تفاوتی نسبت به مسائل دینی (فیروزی و امامی، ۱۳۹۸). در هویت دینی مطلوب (کسب‌شده)، نوجوان پس از کاوش فعال، به باورهایی متعهد می‌شود که شخصاً معنادار یافته‌اند. از منظر واتکینز و باتلر^۸ (۲۰۲۵)، هویت دینی سازه‌ای پویا و چندبعدی است که از تعامل چهار مؤلفه شکل می‌گیرد: (۱) باورها و ارزش‌ها (پذیرش آموزه‌های دینی)، (۲) احساسات و عواطف (تجربیات عرفانی مانند احساس نزدیکی به خدا)، (۳) رفتارهای مناسب (انجام مناسک دینی) و (۴) تعلق اجتماعی (پیوند با جامعه دینی). این نویسندگان تأکید می‌کنند این هویت ایستا نیست، بلکه از طریق بازسازی مستمر روایت‌های شخصی در مواجهه با تجربیات جدید (مانند شبهات دینی یا گفت‌وگوی بین‌الدیانی) تکامل می‌یابد.

1. Marcia
2. exploration
3. Commitment
4. Achieved Identity
5. Foreclosed Identity
6. Moratorium Identity
7. Diffused Identity
8. Watkins & Butler

یافته‌ها (کاپلن^۱ و ساروکلوه^۲، ۲۰۱۷؛ موسوی و روشنی، ۱۴۰۳)؛ نشان می‌دهد سبک تربیتی مسئولانه دینی (ترکیب قاطعیت و پاسخگویی عاطفی) با ایجاد فضای ایمن برای پرسش‌گری، الگوسازی رفتاری و تقویت انسجام خانوادگی در فعالیت‌های مذهبی، بستر لازم برای کاوش دینی سازنده (مارسیا) و حل موفق بحران هویت (اریکسون) را فراهم می‌کند. این امر به نوجوان امکان می‌دهد تا از طریق بازتعریف روایت‌های معنا ساز شخصی (واتکینز)، به هویت دینی پایدار و درونی شده دست یابد.

با توجه به نقش هویت و هویت دینی در دستیابی به برداشت منسجم و همچنین پیامدهای روان‌شناختی - جامعه‌شناختی آن بررسی متغیرهایی که در شکل‌گیری این هویت تأثیرگذار هستند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. مرور تحقیقات انجام‌شده حکایت از نقش متغیرهای متعددی چون فرایند خانواده (گئو^۳، ۲۰۱۸)، باورهای فرزندپروری (موسوی و روشنی، ۱۴۰۳)، سبک تربیت آزاداندیش (کاپلن و ساروکلوه، ۲۰۱۷)، معلمان (کوهن و شاختر^۴، ۲۰۱۴)، نهادها و مراکز دینی (فرانسیس^۵، ۲۰۰۹)، افراد شاخص (حقانی‌زمیدانی و همکاران، ۱۴۰۳)، والدین (دولا هیت و تاجر^۶، ۲۰۰۸)، دین‌داری مادر (پیرسه^۷، ۲۰۰۷) در هویت دینی دارد.

در میان متغیرهای ذکرشده، تحقیقات انجام‌شده به نقش بی‌بدیل خانواده در شکل‌گیری هویت فرزندان اشاره می‌کنند. رافیدی، سایبون و سلیبان^۸ (۲۰۲۴) در پژوهش خود نشان دادند که فرزندپروری مقتدر با شاخصه‌های قاطعیت و پاسخگویی والدین، به توسعه هویت شفاف و مطمئن در نوجوانان کمک می‌کند. ونستین و گلدبرگ^۹ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای که روی ۱۳۴۱ دانش‌آموز از ۱۸ دبیرستان ارتدوکس مدرن در ایالات متحده

1. cappellen

2. Saroglou

3. Guo

4. Cohen&Schachter

5. Francis

6. Dollahith&Thatcher

7. Pearse

8. Rafidi, Saibon & Seliban

9. Weinstein & Goldberg

انجام دادند دریافتند که دانش آموزان دارای سطوح بالای معنویت نیز دارای سطح بالایی از عزت نفس و همگنی مذهبی با والدین خود هستند. یافته‌های مطالعه بیکر^۱ (۲۰۲۵) نشان می‌دهد که والدین، ارزش‌های اخلاقی برخاسته از دین را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. ملیک و واکفیلد^۲ (۲۰۲۰) در تحقیق خود نشان دادند که دلبستگی والدین و همسالان از طریق جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی نقش متفاوتی در تعیین منش اخلاقی آن‌ها دارد. محققان دیگر مانند فرانسیس و گیسون^۳ (۱۹۹۳) و فرانسیس و بران^۴ (۱۹۹۱) نتیجه گرفتند که اگرچه عوامل بسیاری مانند والدین، مدارس، همسالان، مؤسسات دینی و کتاب‌ها به‌طور بالقوه در دین‌داری و جامعه‌پذیری دینی فرزندان اثر می‌گذارند، اما والدین بااهمیت‌ترین عامل اولیه در تربیت دینی فرزندان هستند. کینگ و روسر^۵ (۲۰۰۹) در یک تحقیق گسترده نشان دادند که والدین در رشد مذهبی نوجوانان تأثیر بسزایی دارند. همچنین سایر تحقیقات بر تأثیرات مذهبی بودن والدین بر هویت دینی فرزندان تأکید دارند. (فیشرمن^۶، ۲۰۱۱؛ گانو و مور^۷، ۲۰۰۲؛ مارتین، وایت و پرلمن^۸، ۲۰۰۳؛ مایرز^۹، ۱۹۹۶). در پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور نیز، نمونه این یافته‌ها حاصل شده است. برای مثال نتایج پژوهش حاجی‌هاشم، پاک‌سرشت، اسمعیلی و محمدکاظمی (۱۴۰۳) نشان داده است که علاوه بر نقش والدینی و والدگری، هر یک از پدران و مادران نیز به صورت مجزا، نقش منحصر به فردی در اقبال دختران نوجوان به حجاب دارند. صیاد شیرازی و نوری (۱۴۰۲) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که خانواده و تعاملات خانوادگی بر تعهدات دینی و پابندی به دین نقش بسزایی دارد

مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی در خصوص بررسی همه‌جانبه

-
1. Baker
 2. Malik & Wakefield
 3. Francis & Gibson
 4. Francis & Brown
 5. King & Roeser
 6. Fisherman
 7. Gunnoe & Moore
 8. Martin, White, & Perlman
 9. Myers

عوامل مؤثر در هویت دینی فرزندان در محیط خانواده صورت نگرفته و غالب پژوهش‌های انجام‌شده به بررسی عوامل مؤثر در هویت‌یابی و هویت دینی فرزندان در خانواده پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن بوده که حمایت خانواده و روابط نزدیک با اعضای خانواده (برائزه و همکاران، ۲۰۲۱)، اعتماد والدین و صمیمیت عاطفی (سوگیمورا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸)؛ هویت خود والدین (شاخ‌تر^۲، ۲۰۱۸)؛ کیفیت رابطه با والدین (بچ^۳ و همکاران، ۲۰۱۷)؛ دینداری والدین، همگامی مذهبی زوج‌ها و محیط مذهبی خانواده (ژو و لوین، ۲۰۰۸)؛ سطح بالاتر دینداری والدین (ماهونی و تراکشوار^۴، ۲۰۰۵)؛ شیوه‌های تربیتی والدین (آدامز و جونز^۵، ۱۹۸۳)؛ حمایت و ارتباط عاطفی مادر-نوجوان (ماسون^۶ و همکاران، ۲۰۰۹)؛ ارتباط میان والدین و نوجوانان، پشتیبانی و حمایت خانواده از نوجوانان (پانتین، شوارتز^۷ و همکاران، ۲۰۰۳)؛ ویژگی‌های مذهبی مادر در سال‌های اول زندگی کودک (پرسه^۸، ۲۰۰۷)؛ فراهم کردن یک محیط ایمن، یعنی جایی که نوجوان بتواند به راحتی باورهای مذهبی خود را بیان کند (چادهاری و میلر^۹، ۲۰۰۸)؛ دلبستگی به والدین (مناماتوس^{۱۰} و همکاران، ۱۹۹۹)؛ وراثت (خلیلی ارجقی، ۱۳۹۵)؛ بعد خلاقیت از تفکر انتقادی نوجوان و جهت‌گیری گفت‌و شنود از الگوی ارتباطی خانواده (توتونچی، ۱۳۹۷)؛ عملکرد آموزشی والدین در زمینه مسائل دینی (حکمت پور و صالحی امیری، ۱۳۹۱)؛ عملکرد خانواده، گرمی، آزادی و کنترل به شیوه متقاعدسازی (نیک منش، ۱۳۹۰)؛ سبک فرزندپروری مقتدرانه (خوش‌چهره، ۱۴۰۰، ۵۴-۵۵) همگی در هویت‌یابی و ایجاد هویت دینی در نوجوانان مؤثر هستند.

-
1. Sugimura
 2. Schachter
 3. Becht
 4. Mahoney & Tarakeshwar
 5. Adams & Jones
 6. Mason
 7. Pantin & Schwartz
 8. Pearce
 9. Chaudhury & Miller
 10. Mena matos

باوجود تأیید گسترده‌ی نقش خانواده در شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان در مطالعات پیشین، سه خلأ یا کاستی بنیادین در ادبیات موجود قابل‌ردیابی است: (۱) نگاه تک‌عاملی: پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر متغیرهای منفرد (مانند دینداری مادر، انعطاف‌پذیری خانواده، یا سبک‌های فرزندپروری) متمرکز بوده‌اند و از تبیین تعامل پویای عوامل خانوادگی غفلت کرده‌اند. برای مثال، مطالعه‌ی الیاسی و همکاران (۱۴۰۲) تنها به نقش میانجی‌گری انعطاف‌پذیری خانواده پرداخته، بدون آنکه پیوند آن با بستر دینی خانواده یا کنش‌های تربیتی والدین را تحلیل کند. به‌طور مشابه، تحقیقاتی مانند رافیدی و همکاران (۲۰۲۴) صرفاً بر تأثیر سبک فرزندپروری مقتدرانه تمرکز داشته‌اند؛ (۲) فقدان مدل یکپارچه: هیچ‌یک از تحقیقات، الگوی فرآیندمحور یا رانه نکرده‌اند که چگونگی تبدیل «سبک‌های تربیتی والدین» به هویت دینی پایدار در نوجوان را با در نظر گرفتن متغیرهای زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها ترسیم کند. مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد حتی مطالعات کیفی مانند حاجی‌هاشم و همکاران (۱۴۰۳) نیز صرفاً به بررسی نقش مجزای پدر یا مادر پرداخته‌اند و از ترسیم الگوی جامع بازمانده‌اند؛ (۳) کم‌توجهی به بافت بومی: مطالعات داخلی عمدتاً به بررسی پیامدهای هویتی پرداخته‌اند و فرآیند شکل‌گیری هویت دینی در دختران نوجوان ایرانی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی-دینی این جامعه به‌صورت نظام‌مند و اکاوی نشده است. برای نمونه، پژوهش صیاد شیرازی (۱۴۰۲) تنها به کلیاتی درباره‌ی نقش خانواده بسنده کرده است، درحالی‌که مطالعه‌ی سلگی (۱۴۰۳) نشان می‌دهد دختران نوجوان ایرانی با شبهات خاصی مانند تغییر دین یا تعارض در فلسفه‌ی احکام مواجه‌اند که مستلزم تدوین الگوهای بوم‌شناسانه است. این نقصان‌ها سبب شده است تا درک جامعی از چگونگی تأثیر نظام والدگری بر تکوین تدریجی هویت دینی شکل نگیرد؛ بنابراین پژوهش حاضر با اتخاذ روش داده‌بنیاد و تمرکز بر تجارب زیسته‌ی والدین موفق، درصدد پرکردن این خلأ با تدوین الگویی است که هم‌زمان متغیرهای فردی، خانوادگی و اجتماعی را در بافت ایرانی-اسلامی تلفیق می‌کند. لذا از آنجاکه در پژوهش کیفی فرضیه‌ای تعریف نمی‌گردد، سؤال تحقیق حاضر آن است

که بر اساس تجارب والدین دارای دختر نوجوان با هویت دینی عوامل مؤثر (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر)، کنش‌ها و پیامدهای منجر به تربیت فرزندان با هویت دینی چیست؟

روش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی با رویکرد داده بنیاد است. مشارکت کنندگان این پژوهش از بین والدین (پدر یا مادر) ۴۰ تا ۶۳ ساله دارای یک یا چند دختر دانشجو با هویت دینی (در بازه‌ی سنی ۲۰ تا ۲۲ سال که حداقل ۲ سال از تحصیلشان در مقطع کارشناسی گذشته باشد) در شهر تهران انتخاب شدند. انتخاب این بازه سنی برای والدین با توجه به دو معیار کلیدی صورت گرفته است: (۱) تجربه زیسته کافی: والدین در این سنین حداقل ۲۰-۲۵ سال تجربه فرزندپروری دارند که امکان بازنگری در سبک‌های تربیتی در مراحل مختلف رشد (کودکی تا جوانی) را فراهم می‌کند؛ (۲) هم‌زمانی با دوره بحران هویت: سنین ۴۰-۶۳ سالگی منطبق با دوره‌ای است که فرزندان آن‌ها در مرحله بحران هویت (۱۵-۲۲ سالگی) قرار داشته‌اند و والدین می‌توانند راهبردهای خود را در این برهه حساس بازگو کنند. معیار حداقل ۲ سال تحصیل در مقطع کارشناسی برای دانشجویان، به چند دلیل رعایت شده است: (۱) پایدارسازی هویت: دو سال تحصیل دانشگاهی فرصت کافی برای مواجهه با چالش‌های هویتی (طبق نظریه ماریا) و تثبیت نسبی انتخاب‌های دینی را فراهم می‌کند؛ (۲) فاصله‌گیری از محیط خانواده: اقامت در خوابگاه یا مستقل‌زیستی در این بازه، آزمونی طبیعی برای درونی‌سازی هویت دینی بدون نظارت مستقیم والدین محسوب می‌شود؛ (۳) اجتناب از اثرات اولیه دانشگاه: سال اول دانشگاه، به دلیل اینکه دوره گذار در طول رشد فرد محسوب می‌شود معمولاً با شوک فرهنگی و تغییرات موقت هویتی همراه است که با گذشت ساله‌های ابتدایی تحصیل، به‌سوی ثبات نسبی حرکت می‌کند. برای انتخاب نمونه روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ بکار گرفته شد. ملاک‌های ورود شامل این موارد بود: والدین انتخاب‌شده دارای فرزندان با هویت دینی بالا (کسب بیش از نمره ۱۰۴ در

1. Purposive sampling

پرسشنامه هویت دینی) باشند، وقت کافی و رضایت کامل برای مصاحبه را داشته باشند. برای تعیین حجم نمونه از روش رسیدن به اشباع استفاده شد که طی آن ۱۸ نفر پدر یا مادر با روش نمونه‌گیری هدفمند داده‌ها را به اشباع رساندند و پس از آن طی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مورد جدیدی مطرح نشد. معیارهای خروج شامل: غیبت طولانی مدت و اثرگذار والدین در طول دوره رشد فرزند (به دلایلی همچون متارکه، طلاق، مهاجرت و غیره)، وقوع رویدادهای آسیب‌زای در دوران حساس رشدی (برای مثال وقوع جنگ و ازدواج مجدد والدین و غیره)، ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی فعال و تعارض منافع (اشتغال والدین در حرفه‌های مرتبط با روان‌شناسی/ تربیت دینی) بود.

برای دستیابی به مدل تربیت دینی خانواده‌های مذهبی دارای دختران نوجوان با هویت دینی، پس از تصویب طرح پژوهشی در شورای تحصیلات تکمیلی، پرسشنامه هویت دینی مزینانی (۱۳۹۱) بین دختران دانشجوی ۲۰ تا ۲۲ ساله از دانشگاه‌های مختلف شهر تهران، پخش شد. کسب نمره‌ی بالای ۱۰۴ در این پرسشنامه، نشان‌دهنده‌ی این است که هویت دینی آزمودنی در حد بالایی است. با توجه به شیوه نمره‌گذاری، افراد دارای هویت دینی با نمره‌ی بالای ۱۰۴ شناسایی شد و با تماس تلفنی رضایت والدین آن‌ها برای شرکت در مصاحبه به دست آمد. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با والدین استفاده شده است. محقق ۷ سؤال محوری شامل (چه کارهایی انجام دادید برای اینکه فرزندان هویت دینی پیدا بکنند؟/ کدام یک از عوامل کلان (اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ها و غیره) را چالش‌برانگیزترین عامل برای تربیت دینی دخترتان می‌دانستید؟ چه راهبردهای تربیتی خاصی برای تبدیل این چالش به فرصت به کار بردید؟ چه قوانین مدون و نانوشته‌ای برای مدیریت فضای مجازی دخترتان، جهت تکوین هویت دینی - وضع کردید؟/ علاوه بر تأثیراتی که شما به عنوان والدین بر فرزندان داشتید، چه زمینه‌هایی وجود داشته که فرزندان مذهبی شده‌؟/ در فضا و مراسمات خاصی برای مقیدتر شدن فرزندان به تکالیف دینی شرکت می‌کردید؟/ اگر بخواهید بین همه‌ی شرایط زمینه‌ساز و بسترها مهم‌ترین عامل را در مذهبی شدن فرزندان نام ببرید به کدام عامل اشاره

می‌کنید؟/به نظر شما نتیجه‌ی فردی، خانوادگی، زوجی و اجتماعی اینکه دخترتان با هویت دینی پرورش‌یافته چیست؟) را بدون اینکه جهت خاصی به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان بدهد، از آن‌ها پرسید و بر اساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و اهداف پژوهش، از سؤال‌های جهت‌دهنده به منظور کاوش و آشکارسازی دقیق الگوی تربیت دینی دختران نوجوان با هویت دینی استفاده کرده است.

محقق در هر مصاحبه ضمن معرفی خود و بیان اهداف تحقیق و ایجاد رابطه‌ی حسنه با مصاحبه‌شونده، اعتماد و رضایت وی را جهت شرکت در مصاحبه جلب نمود. مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و بر اساس سؤالاتی بود که با مشورت استاد راهنما انتخاب شده بود. همچنین روایی محتوایی سؤالات نیز توسط ۵ نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی با ضریب لاوشه ۰/۹۹ مورد تأیید قرار گرفت. میانگین زمان مصاحبه حدود ۴۵ دقیقه بود که محقق بر اساس صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان و انعکاس محتوا و احساس، تصمیم به ادامه یا خاتمه مصاحبه می‌گرفت. با اجازه مصاحبه‌شوندگان، صدای آن‌ها ضبط شد و بعد توسط پژوهشگر پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها انجام شد. حین ضبط مصاحبه‌ها، حالات، زبان شفاهی و احساسات مشارکت‌کنندگان نیز مشاهده و یادداشت‌برداری شد. مسائل اخلاقی لحاظ شده در پژوهش در چند محور خلاصه شده است: ۱) محافظت از حریم خصوصی (کدگذاری داده‌ها با شناسه‌های عددی، ذخیره‌سازی امن فایل‌های صوتی در فضای رمزگذاری شده و حذف ضبط‌ها حداکثر ۷۲ ساعت پس از پیاده‌سازی)، ۲) امانت‌داری در گزارش‌دهی (انتقال عین عبارات مشارکت‌کنندگان بدون دخل و تصرف و ارائه‌ی بازخورد تأییدی به آنان) و ۳) پیشگیری از آسیب (اجتناب از پرسش‌های تحریک‌کننده، امکان توقف مصاحبه در مواقع پریشانی عاطفی و پرهیز از سوگیری مطلوبیت اجتماعی با تأکید بر پاسخ‌های صادقانه). این چارچوب با کسب رضایت‌نامه‌ی آگاهانه‌ی کتبی (شامل حق انصراف بی‌قید و شرط و تبیین فوائد و مخاطرات) و به کارگیری مصاحبه‌گر همجنس در محیط‌های خصوصی، تعهد پژوهش به اخلاق‌مدار بودن فرآیندها را تضمین نمود.

جهت تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل مقایسه مداوم استراوس و کوربین^۱ (۲۰۱۴) در سه مرحله کدگذاری باز^۲، محوری^۳ و گزینشی^۴ استفاده شد. در سطح اول کدگذاری و تحلیل داده‌ها، تلاش شد تا در ابتدا داده‌ها از همدیگر مجزا (تقطیع) شوند. از این رو عبارات و جملات (کلمات منفرد یا مجموعه‌ای کوچک از چند کلمه) بر اساس واحدهای معنایی، دسته‌بندی شدند تا مفاهیم (کدها) به آن‌ها ضمیمه شوند. در سطح دوم کدگذاری، پالایش و تفکیک مقوله‌های به‌دست آمده از کدگذاری باز صورت گرفت و روابطی بین مقوله‌ها کشف و برقرار شد. در سطح سوم تحلیل داده‌ها، سعی پژوهشگر بر آن بود تا محوریت داده‌ها را کشف و طبقه مرکزی یا مفهومی که محل ارجاع سایر طبقات و مرتبط با آن‌ها باشد را به عنوان مفهوم مرکزی انتخاب نماید. در این مرحله، کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی‌تر، ادامه یافت و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح شد.

برای افزایش دقت و صحت مطالعه در بخش مصاحبه با مشارکت کنندگان، از معیارهای چهارگانه گوبا و لینکلن^۵ (۲۰۰۰؛ به نقل از محمدپور، ۲۰۱۵) استفاده شد. جهت ارزیابی روایی^۶، رابطه‌ای اعتمادآمیزی با مشارکت کنندگان برقرار شد. برای اعتبار و تأییدپذیری^۷، درگیری طولانی مدت محققان با داده‌ها صورت گرفت. همچنین بررسی هم‌تأیید و بررسی کارشناسان^۸ اعمال شد. برای تأیید^۹ داده‌ها، پس از تجزیه و تحلیل، متن مصاحبه به شرکت کنندگان بازگردانده شد و نظرات آن‌ها در فرایند کار لحاظ گردید. برای جنبه قابلیت اطمینان^{۱۰}، کدگذاری توسط چند کدگذار (اساتید راهنما و مشاور و یک

-
1. Corbin & Strauss
 2. open coding
 3. axial coding
 4. selective coding
 5. Goba & Lincoln
 6. validity
 7. Credibility and Confirmability
 8. peer review and expert review
 9. confirmation
 10. Dependability

دانش‌آموخته دکتری مشاوره که مسلط به روش پژوهش کیفی بود) موردبررسی شد. برای انتقال‌پذیری^۱ از بررسی کارشناسی، نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری ناهمگن^۲ استفاده شد. این مطالعه نیز با مشارکت تیم تحقیقاتی و چند داور تأیید شد و پیشنهادها و نظرات آن‌ها در فرایند تحلیل گنجانده شد. گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها و رعایت حرکت مکرر رفت و برگشتی بین داده‌ها و کدها نیز ملاک دیگری جهت تضمین اعتبار پژوهش بود. درنهایت شبکه مضامین به‌دست‌آمده در اختیار ۲ نفر از اساتید رشته مشاوره قرار گرفت و براساس نظرات آنان، مضمون‌های حاصله، اصلاح شد

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با ۱۳ مادر و ۵ پدر که فرزندان‌شان نمره‌ی بالای ۱۰۴ را در پرسش‌نامه هویت دینی کسب کرده‌اند، با کسب رضایت فردی مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. مشخصات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان

کد	سن مادر	تحصیلات مادر	شغل مادر	سن پدر	تحصیلات پدر	شغل پدر	تعداد فرزندان خانواده	مصاحبه شونده
۱	۴۷	لیسانس	فرهنگی	۵۲	لیسانس	فرهنگی	۲	مادر
۲	۴۴	لیسانس	فرهنگی	۴۸	ارشد	کارمند	۲	مادر
۳	۴۰	دیپلم	خانه‌دار	۴۳	دیپلم	کارمند	۳	مادر
۴	۴۹	سیکل	خانه‌دار	۵۳	سیکل	کارمند	۴	مادر
۵	۴۵	دیپلم	خانه‌دار	۵۱	لیسانس	نظامی	۱	مادر
۶	۴۴	لیسانس	فرهنگی	۴۹	دکتری	کارمند	۲	مادر
۷	۴۶	دکتری	خانه‌دار	۴۹	ارشد	کارمند	۳	مادر
۸	۵۰	سیکل	خانه‌دار	۵۶	سیکل	آزاد	۳	پدر
۹	۵۱	لیسانس	خانه‌دار	۵۲	ارشد	کارمند	۲	مادر
۱۰	۴۳	ارشد	خانه‌دار	۴۶	ارشد	کارمند	۱	مادر

1. Transferability
2. heterogeneous sampling

کد	سن مادر	تحصیلات مادر	شغل مادر	سن پدر	تحصیلات پدر	شغل پدر	تعداد فرزندان خانواده	مصاحبه شونده
۱۱	۴۳	ارشد	خانه‌دار	۴۶	ارشد	کارمند	۱	مادر
۱۲	۵۸	لیسانس	خانه‌دار	۶۳	لیسانس	کارمند	۳	پدر
۱۳	۴۴	لیسانس	فرهنگی	۴۹	لیسانس	کارمند	۲	پدر
۱۴	۴۴	لیسانس	فرهنگی	۴۹	دکتری	کارمند	۲	مادر
۱۵	۴۶	دیپلم	خانه‌دار	۵۰	ارشد	کارمند	۲	مادر
۱۶	۴۴	لیسانس	فرهنگی	۴۹	لیسانس	فرهنگی	۲	پدر
۱۷	۴۵	لیسانس	خانه‌دار	۵۰	دیپلم	آزاد	۳	مادر
۱۸	۴۵	سیکل	خانه‌دار	۵۲	سیکل	بازنشسته	۲	پدر

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنید بازه‌ی سنی مصاحبه‌شوندگان ۴۰ تا ۶۳ سال است. مادران خانه‌دار یا فرهنگی هستند. اکثر پدرها دارای شغل دولتی هستند. همچنین غالب افراد مصاحبه‌شونده ۲ فرزند داشتند. تحصیلات ۵۰ درصد والدین لیسانس، ۱۶,۶۶ درصد دیپلم، ۱۶,۶۶ درصد سیکل، ۱۱,۱۱ درصد ارشد، ۵,۵ درصد دکتری می‌باشد. نتایج به‌دست آمده از طبقه‌بندی داده‌ها به‌صورت کدهای باز، محوری و انتخابی در جدول شماره ۲ مشخص شده و در ادامه مقوله‌بندی داده‌ها بر اساس اظهارات شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول ۲. کدگذاری باز، محوری و انتخابی مبتنی بر تجارب زیسته والدین دارای دختر نوجوان با

هویت دینی

کد باز	کد محوری	کد انتخابی	مؤلفه
تقوا و خودسازی پیشاترینی؛ شرکت در حلقه‌های ذکر و روضه؛ مطالعه نهج‌البلاغه به‌صورت هفتگی؛ انجام اعمال سحرخیزی در ماه رمضان؛ تمرین مراقبه‌های اخلاقی (محاسبه نفس)؛ حضور منظم در جلسات تفسیر قرآن؛ اهمیت دادن به نماز اول وقت؛ اقدامات قبل از بارداری، دوران بارداری و شیردهی؛ رعایت طهارت و اهتمام به وضو به هنگام شکل‌گیری نطفه؛ شرکت مستمر در مراسم دعا در هنگام	التزام عملی والدین به احکام دینی	والدگری مسئولانه دینی	تقوا

کد باز	کد محوری	کد انتخابی	مؤلفه
بارداری؛ اهتمام به نماز شب در دوران بارداری؛ پرداخت مستمر صدقه و رد مظالم؛ انس با قرآن و ادعیه؛ گوش دادن به سخنرانی‌های تربیتی؛ عدم گوش دادن به موسیقی نامناسب؛ شرکت در کلاس‌های اخلاقی و عرفانی؛ عدم تناقض در گفتار و رفتار والدین؛ اهتمام به کسب و مصرف لقمه حلال؛ التزام عملی به حجاب			
هماهنگی والدین؛ فضای احترام متقابل والدین، حفظ اقتدار پدر، همراهی پدر در تربیت؛ ارتباط صمیمانه والدین	اتحاد منظومه والدینی		
نماز جماعت خانوادگی در منزل؛ اهتمام به مستحبات (روزه‌های مستحبی، نوافل)؛ ضبط صوت تلاوت قرآن والدین برای فرزندان؛ پرهیز از غیبت در محیط خانه؛ اهتمام به تشکیل جلسات مذهبی در خانه؛ مشارکت دادن فرزندان در برگزاری مناسک دینی؛ پرورش روحیه شکرگزاری؛ معرفی خدا به عنوان مهربان‌ترین دوست، توسل و توکل به خدا؛ بوسیدن دست والدین پس از نماز، خواندن داستان‌های ائمه قبل از خواب؛ درست کردن کاردستی‌های مذهبی با مشارکت فرزند	فضای معنوی خانه		
محبت به فرزندان؛ اهمیت دادن به نیازهای فرزندان؛ گفتگو و مذاکره؛ صبر و سعه صدر؛ تخصیص وقت برای فرزندان؛ برقراری رابطه صمیمانه؛ اعتماد به فرزند؛ مقبولیت و محبویت والدین نزد فرزندان؛ دوستی و رفاقت با فرزند؛ مشورت‌گیری از فرزندان در ایجاد و اعمال قوانین خانواده؛ فضای امن و صمیمی در منزل؛ رسیدگی عاطفی به فرزند در دو سال اول پس از تولد؛ دوری از برون‌سپاری فرزند در خردسالی؛ برآورده‌سازی نیازهای عاطفی فرزندان از سوی والدین؛ دل‌نشین بودن والدین برای فرزندان؛ ارائه محبت عملی از سوی والدین همچون بوسیدن؛ جاذبه والدین با ارائه محبت عملی؛ عدم اشتغال به فضای مجازی در حضور خانواده؛ فضای مفرح و سالم در منزل؛ برنامه‌ریزی برای فرزندآوری؛ زیاد نبودن فاصله سنی با فرزندان؛	فضای عاطفی مثبت در خانواده		
احترام به حریم خصوصی نوجوان در امور عبادی؛ پرهیز از توهین به باورهای آزمایشی نوجوان؛ تفویض مسئولیت‌های دینی (مثل مدیریت برنامه‌های مذهبی خانه)؛ پذیرش خطاهای غیرعمد در تکالیف شرعی؛ اصل تغافل؛ اصل میانه‌روی؛ تذکر غیر کلامی؛ شناخت نیمرخ روانی فرزند؛ حفظ عزت نفس؛ گفتگو و مذاکره؛ راهنمایی و آگاهی دادن؛ اهمیت دادن به نیازهای فرزند؛ آموزش غیرمستقیم؛ صرف	کرامت‌مداری در تربیت		

کد باز	کد محوری	کد انتخابی	مؤلفه
هزینه و بودجه در مسائل تربیتی فرزندان؛			
وجود فضای مذهبی در خانواده‌های والدین؛ مهربانی و محبت از سوی مادر بزرگ مذهبی؛ ارتباط با بستگان همسو؛ الگوگیری از همشیرها؛ محدودیت در رفت‌وآمد با افراد غیر مذهبی	شبکه‌های بین‌نسلی خانوادگی	تدارک بافت تربیت دینی	تربیت زمینه‌ای
	همانگی مدرسه برای اقامه نماز جماعت ویژه دختران؛ تشکیل گروه‌های قرآنی مادر و دختر در مساجد؛ استفاده از ظرفیت پایگاه‌های بسیج محله برای اردوهای معنوی؛ ارتباط با استادان اخلاق زن در حوزه‌های علمی؛ حضور در مدارس و محیط‌های آموزشی اسلامی؛ زندگی در محله مذهبی‌نشین؛ نظارت بر دوستان؛ فراهم کردن زمینه دوستی با افراد مذهبی؛ طرح‌های امانیه برای نگهداری قرآن در مدارس؛ کانون‌های فرهنگی مساجد با برنامه‌های خلاقانه؛ پویش‌های مردمی مثل چادر مهربانی؛ اپلیکیشن‌های آموزش معارف (مثل نرم‌افزار گنج)؛ ارتباط پیاپی با نهادهای تقویت‌کننده هویت دینی، شرکت در مراسم و اماکن مذهبی؛ حضور در نماز جمعه؛ حضور پررنگ در مسجد؛ حضور در هیئت‌های مذهبی؛		
نرمال‌سازی روابط نامشروع در سریال‌های ماهواره‌ای؛ ترویج مدگرایی افراطی در اینستاگرام؛ تحریف شخصیت‌های زن مسلمان در بازی‌های رایانه‌ای؛ شبکه‌های اجتماعی مخرب.	جریان‌های ضد فرهنگی و تهاجم رسانه‌ای غربی	موانع و چالش‌ها	تربیت مداخله‌گر
	کاهش اعتماد به نهادهای سنتی مذهبی در نوجوانان؛ تعارض ارزشی در انتخاب همسر آینده؛ تمایل به الگوهای سبک زندگی غربی در بین همسالان.		
درک تربیت به‌عنوان یک فرایند رشدی؛ آموزش احکام بلوغ به زبان ساده توسط مادران؛ حق انتخاب دادن به فرزند؛ عدم اجبار در امور دینی؛ شروع حجاب از مقنعه کودکانه در ۷ سالگی؛ مسئولیت‌پذیری دینی پلکانی (مثل مدیریت پذیرایی در مراسم مذهبی)، گام‌گذاری متناسب با رشد؛ تعلیم مسائل عبادی؛ پرورش حیا از کودکی؛ تعظیم حجاب و چادر؛ یاد دادن امور دینی با بازی؛ آشنا کردن با تکالیف دینی از کودکی؛ ایجاد رفاقت با خدا و اهل‌بیت؛ نفس کشیدن فرزند در فضای هیئت مذهبی؛ آشنا کردن با زندگی شهدا؛ الگو قرار دادن اهل‌بیت؛ نظارت بر رفت‌وآمد فرزند؛ دعا برای فرزندان	تربیت تدریجی	تربیت تعاملی توحیدمحور	تربیت هدفمند
	استفاده از چت گروه‌های خانوادگی برای طرح شبهات؛ مشاوره با توانمندسازی		

کد باز	کد محوری	کد انتخابی	مؤلفه
روان‌شناسان مذهبی زن؛ بازی‌های نقش‌آفرینی برای حل تعارضات اعتقادی، ایجاد فضای پرسش و پاسخ ایمن، رفع شبهات مذهبی فرزند با حضور در سخنرانی‌های اعتقادی؛ کارگاه‌های تحلیل فیلم با رویکرد دینی؛ آموزش فنون اقناع برای دفاع از باورها؛ شبیه‌سازی موقعیت‌های آزمون اخلاقی در فضای ایمن؛ تشکیل اتاق فکر دینی برای نوجوانان؛ معرفی کتاب‌های شهید مطهری برای نوجوان؛ برگزاری مناظره‌های کنترل‌شده خانوادگی؛ تحلیل فیلم‌های تاریخی با رویکرد انتقادی؛ دوری از سیاست‌زدگی؛ معرفی منابع هویت‌ساز؛ تقویت تفکر انتقادی	اعتقادی		
عدم دسترسی زودهنگام به موبایل و فضای مجازی؛ برنامه‌ریزی و نظارت بر استفاده از فضای مجازی؛ عادت دادن فرزندان به مطالعه؛ جایگزین‌سازی مناسب و هوشمندانه؛ فیلترینگ هوشمند اپلیکیشن‌ها؛ ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی تا سن ۱۴ سالگی با تبیین فلسفه حفظ فطرت؛ نصب نرم‌افزارهای کنترلی والدین با مشارکت نوجوان؛ تبدیل بازی‌های رایانه‌ای به رسانه‌ی آموزش معارف؛ برنامه‌ریزی برای گذراندن بهینه اوقات فراغت؛	نظارت بر مصرف رسانه‌ای		
هدیه‌های معنوی (سفر زیارتی، کتاب دینی)؛ محرومیت‌های موقت از فضای مجازی به‌عنوان اصلاح؛ تشویق کلامی با استناد به آیات (مانند «احسنتم» از آیه ۷ تحریم)؛ جبران خطا با انجام کار خیر (مثل اطعام)؛ تشویق به امور عبادی؛ هدیه خریدن برای فرزند به مناسبت اعیاد مذهبی؛ تشویق به نماز؛ تقویت و تشویق توسط والدین پس از انجام امور اعتقادی؛ افتخار کردن به فرزند به جهت پابندی مذهبی؛ تعریف کردن از فرزند در نزد اقوام و اطرافیان.	تشویق و دلگرم‌سازی		
تجلی عبودیت در سبک زندگی، عاقبت بخیری؛ امید به آینده؛ آرامش؛ رعایت تقوا در تمام جوانب زندگی؛ هدفمندی در زندگی؛ حفظ امنیت؛ تمایل به مؤثر بودن در جامعه، اختصاص بخشی از حقوق شخصی به انفاق (حتی کم)؛ نگارش خاطرات معنوی در دفترچه شخصی؛ خلق آثار هنری با مضامین دینی (نقاشی، شعر).	حیات طیبه فردی	تحقق حیات طیبه	تجلی
آرامش خاطر والدین؛ تأثیرگذاری مثبت فرزندان در خانواده؛ پابندی بیشتر در زندگی مشترک؛ احساس رضایت والدین؛ باقیات الصالحات برای والدین، انتقال نسلی ارزش‌ها، تجلی خانواده پابدار، طراحی	حیات طیبه خانوادگی		تجلی

کد باز	کد محوری	کد انتخابی	مؤلفه
آیین‌های خانوادگی بر اساس سیره اهل‌بیت؛ نقش‌آفرینی دختران در تدارک مراسم مذهبی فامیل؛ تداوم سنت‌های دینی در انتخاب همسر (مثل خواستگاری در حرم).	حیات طیبه اجتماعی		
کنشگری دینی در جامعه؛ بسترسازی برای ادامه نسل صالح؛ پرورش افراد متعهد برای جامعه؛ بسترسازی برای ایجاد جامعه با صلح و امنیت، عضویت در گروه‌های جهادی سلامت دخترانه؛ تدریس داوطلبانه قرآن در محلات محروم؛ راه‌اندازی کسب‌وکارهای حلال‌محور (مثل تولید پوشش اسلامی).			

پژوهش حاضر نشان داد تربیت دینی در خانواده‌های مذهبی ذیل پنج کد انتخابی جای گرفتند. هریک از این کدهای انتخابی خود دربردارنده چند کد محوری هستند که در ادامه به تفصیل به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱) والدگری مسئولانه دینی - شرایط علی‌الگو

والدگری مسئولانه دینی، الگویی جامع متشکل از پایبندی عملی والدین به احکام اسلامی پیش از تولد فرزند است؛ همان‌گونه که مشارکت‌کننده ۹ تأکید می‌کند: «از سه ماه قبل بارداری، هر شب با وضو قرآن می‌خواندم تا نوزاد در فضای معنوی شکل بگیرد». این رویکرد شامل الگودهی رفتاری مستمر در خانواده می‌شود؛ از نماز جماعت خانوادگی تا پرهیز از غیبت که مشارکت‌کننده ۱۴ تصریح می‌کند: «پسرم یادگرفت نمازش را اول وقت بخواند، چون همیشه پدرش را در حال سجده می‌دید». ایجاد پیوند عاطفی توحیدی از طریق محبت‌ورزی هدفمند نیز بخش جدایی‌ناپذیر آن است؛ چنان‌که مشارکت‌کننده ۳ بیان می‌کند: «وقتی دخترم را بوسیدم، گفتم: این محبت، هدیه‌ای از خداوند مهربانه». کرامت‌مداری در تعامل با نوجوانان، با احترام به حریم خصوصی آنان حتی در امور عبادی، از ارکان این الگوست؛ همان‌طور که مشارکت‌کننده ۱۵ هشدار می‌دهد: «اجبار نوجوان به چادر، ایمانش را زخمی می‌کند». تزریق معنویت در فضای خانه از طریق جلسات هفتگی مذهبی و شادی‌های سالم،

سرمایه‌گذاری مالی و زمانی بر تربیت به‌جای امور مادی و وحدت رویه والدین در اجرای دستورات دینی از دیگر مؤلفه‌های کلیدی این سبک والدگری است که در نهایت به پرورش نسلی زمینه‌ساز برای جامعه اسلامی می‌انجامد.

۲) تدارک بافت تربیت دینی - شرایط زمینه‌ای الگو

تدارک بافت تربیت دینی، خلق شبکه‌های هم‌افزای خانوادگی و اجتماعی برای حمایت از هویت‌سازی دینی است. این بافت با پیوندهای بین‌نسلی آغاز می‌شود؛ همان‌گونه که مشارکت‌کننده ۳ توصیف می‌کند: «مادر بزرگ هر شب برای نوه‌ها قصه‌های حضرت زهرا (س) را با عروسک‌های چادری اجرا می‌کرد». در سطح خانواده، وحدت رویه والدین و فضای شاد عبادی محوریت دارد: «جمعه‌ها خانه ما هم نماز جمعه داشت هم مسابقه قرآن [با جوایز]» مشارکت‌کننده ۷. همسویی نهادهای تربیتی حلقه بعدی این شبکه است؛ از مدارس دارای نمازخانه‌های دخترانه تا مساجد دارای حلقه‌های مادر-دختری که مشارکت‌کننده ۹ خاطرنشان می‌کند: «معلم قرآن مدرسه با مسجد محله هماهنگ بود؛ تکالیف دینی بچه‌ها تداوم داشت». لایه نهایی، شبکه حمایتی محله‌ای شامل پایگاه‌های بسیج، کانون‌های مسجدی و اپلیکیشن‌های آموزشی است که مشارکت‌کننده ۱۱ بر آن تأکید دارد: «اردوهای جهادی محله، دختران را از فضای مجازی دور می‌کرد». این سه لایه در کنار انتخاب آگاهانه هم‌نشینان مذهبی و سکونت در محلات معتقد، اکوسیستمی شکل می‌دهد که تربیت دینی را از انزوای عرصه اجتماعی می‌کشاند.

۳) موانع / چالش‌ها - شرایط مداخله‌گر الگو

موانع تکوین هویت دینی در دختران نوجوان، نخست در تهاجم سازمان‌یافته رسانه‌ای ریشه دارد که مشارکت‌کننده ۴ هشدار می‌دهد: «اینستاگرام دخترم را عروسک بی‌حجاب غربی کرده بود؛ شب‌ها گریه می‌کردم». دوم گسست نسلی عمیق است که نوجوانان را از سنت‌های دینی بیگانه می‌سازد؛ چنان‌که مشارکت‌کننده

۱۰ اعتراف می‌کند: «وقتی مادرم از شهدا می‌گفت، دخترم با چشم‌های خالی نگاه می‌کرد انگار از سیاره دیگری آمده». سوم تضعیف نهادهای مذهبی توسط جریان‌های روشنفکری است که مشارکت‌کننده ۱۷ آن را «جنگ خاموش علیه مسجد و هیأت» می‌خواند. چهارم فقدان الگوهای جذاب دینی در رسانه‌های ملی است که مشارکت‌کننده ۲ شکایت دارد: «چرا دختران ما باید بین انتخاب مسیرهای مذهبی و بی‌حجابی یکی را انتخاب کنند؟». سرانجام فشار همسالان غیرمذهبی به عنوان مانعی خزننده، آن‌چنان که مشارکت‌کننده ۱۴ گزارش می‌دهد: «دخترم از ترس مسخره شدن دوستانش، چادرش را تو کیف پنهان می‌کرد».

۴) تربیت تعاملی توحیدمحور - راهبردهای الگو

«تربیت تعاملی توحیدمحور»، الگویی پویا مبتنی بر گفت‌وگوی دوسویه و مسئولیت‌پذیری تدریجی است که از کودکی آغاز می‌شود. مشارکت‌کننده ۳ تصریح می‌کند: «از ۵ سالگی مقنعه رنگی به دخترم دادم؛ می‌گفت مثل حضرت زهرا (س) شدم!». این فرآیند با دیالوگ دینی ایمن در نوجوانی تعمیق می‌یابد؛ چنان‌که مشارکت‌کننده ۷ گزارش می‌دهد: «گروه خانوادگی واتس‌آپ برای شبهات دخترم ساختیم؛ هر شب آیه‌ای را تحلیل می‌کنیم». کنشگری فعال از طریق مشارکت در هیئت‌ها و مدیریت برنامه‌های مذهبی تقویت می‌شود: «دختر ۱۴ ساله‌ام مسئول پذیرایی هیأت زنانه محله‌ست» [مشارکت‌کننده ۵]. مصونیت‌سازی با کارگاه‌های تحلیل فیلم و شبیه‌سازی آزمون‌های اخلاقی محقق می‌گردد: «با بازی نقش‌آفرینی، نه گفتن به دوستی نامشروع را تمرین می‌کنیم» [مشارکت‌کننده ۱۱]. مدیریت هوشمند رسانه با جایگزین‌سازی خلاقانه همراه است: «بجای اینستاگرام، اپلیکیشن گنج را روی تبلت دخترم نصب کردم» [مشارکت‌کننده ۹]. عقلانیت‌پروری از طریق مناظرات خانوادگی و اتاق فکر دینی شکل می‌گیرد: «جمعه‌ها کتاب شهید مطهری را با نوجوانانم نقد می‌کنیم» [مشارکت‌کننده ۱۴]. سرانجام، تشویق هدفمند با هدایای معنوی، پیوند عاطفی نوجوان با معارف را تثبیت می‌کند: «به ازای هر سوره حفظ‌شده، دخترم را به

زیارت امام رضا (ع) بردیم» [مشارکت‌کننده ۱۷].

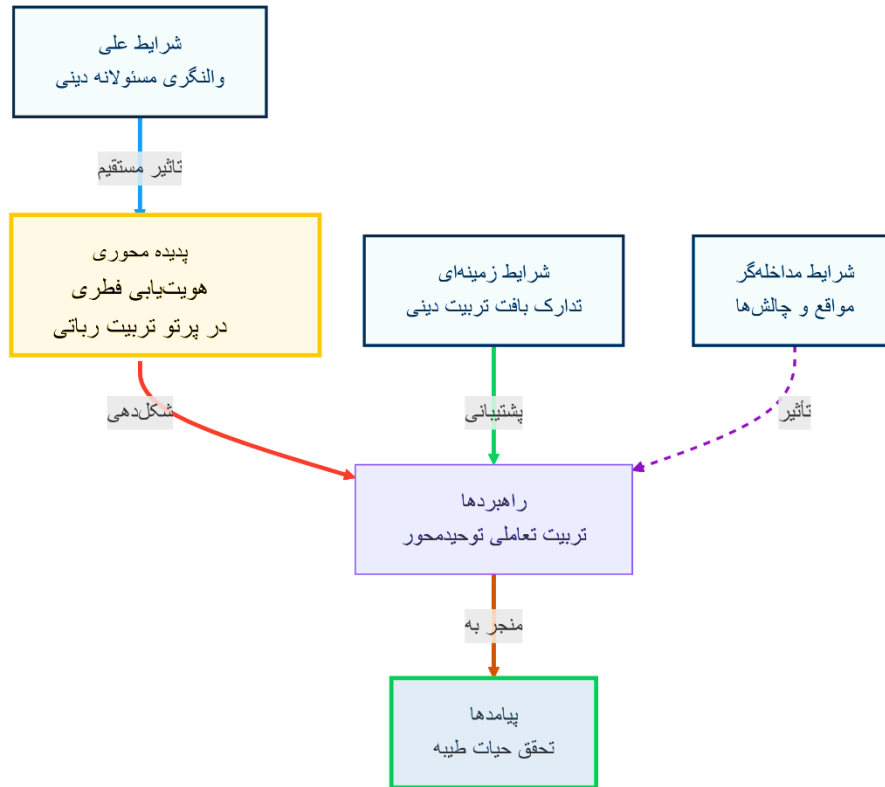
۵) تحقق حیات طیبه - پیامدهای الگو

تحقق حیات طیبه، اوج شکوفایی هویت دینی در سه عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی است. در سطح فردی، دختران به آرامش وجودی و هدفمندی می‌رسند؛ چنان‌که مشارکت‌کننده ۱ تصریح می‌کند: «پس از شرکت در کارگاه‌های قرآنی، انگار بال پرواز داشتم». این تحول با عبودیت در سبک زندگی همراه است: نگارش خاطرات معنوی و خلق آثار هنری دینی. در عرصه خانوادگی، انتقال نسلی ارزش‌ها محقق می‌شود؛ مشارکت‌کننده ۳ نمونه‌وار بیان می‌کند: «دخترم مراسم خواستگاری‌اش را در حرم امام رضا (ع) طراحی کرد». طراحی آیین‌های بر اساس سیره اهل بیت و نقش‌آفرینی دختران در مراسم مذهبی فامیل، خانواده را به پایگاه تربیتی تبدیل می‌کند. در سطح اجتماعی، کنشگری دینی متجلی می‌شود؛ مشارکت‌کننده ۱۱ نمونه‌ای از این تأثیر را توصیف می‌کند: «دختران گروه جهادی ما در محله محروم، کلاس قرآن سیار راه انداختند». راه‌اندازی کسب‌وکارهای حلال‌محور مانند تولید پوشش اسلامی، الگوی اقتصاد مقاومتی را تکمیل می‌کند و به قول مشارکت‌کننده ۷: «این دختران، مادران جامعه فردا هستند».

در شکل شماره ۱ خلاصه‌ای از مباحث مطرح‌شده به صورت مدل مفهومی نشان

داده شده است:

شکل ۱) الگوی تکوین هویت دینی در دختران بر اساس سبک‌های تربیتی والدین



بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تدوین الگوی تکوین هویت دینی در دختران بر اساس سبک‌های تربیتی والدین با بهره‌گیری از روش کیفی داده‌بنیاد انجام شد. در تحلیل یافته‌ها ۲۰۱ کدباز، ۱۷ کد محوری و ۵ کد انتخابی «والدگری مسئولانه دینی؛ تدارک بافت تربیت دینی؛ موانع / تسهیلگرها؛ تربیت تعاملی توحیدمحور و تحقق حیات طیبه» به‌عنوان حیطه‌های اصلی مدل مفهومی تربیت دینی خانواده‌های مذهبی دارای دختر نوجوان با هویت دینی شناخته شد.

در بررسی نظرات والدین در خصوص «والدگری مسئولانه دینی»، کدهای محوری «التزام عملی والدین به احکام دینی؛ اتحاد منظومه والدینی؛ فضای معنوی خانه؛ فضای

عاطفی مثبت در خانواده و کرامت‌مداری در تربیت» به دست آمد. در این خصوص باید گفت که والدگری مسئولانه دینی با عمل صالح والدین آغاز می‌شود. التزام عملی به احکام دینی (نماز اول وقت، روزه، انس با قرآن، رعایت حلال‌خواری) نه تنها یک تکلیف شرعی است، بلکه سنگ بنای اعتبار الگویی والدین است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد کودکان بیش از گفتار، از رفتار والدین تقلید می‌کنند؛ والدینی که خود پایبند به مناسک دینی هستند، ناخودآگاه زیست‌بوم معنوی ایجاد می‌کنند که در آن دینداری به امری طبیعی تبدیل می‌شود. این یافته با پژوهش پرسه (۲۰۰۷) همسوست که نشان داد ویژگی‌های مذهبی مادر در زمان تولد کودک، با جهان‌بینی دینی کودک در بزرگسالی رابطه مثبت دارد. این مؤلفه بر تجسم عینی ارزش‌ها در زندگی روزمره تأکید دارد: برپایی نماز جماعت خانوادگی به عنوان آیین جمعی، اهتمام به مستحبات (روزه‌های مستحبی، نوافل)، پرهیز از غیبت و رعایت ادب در گفتار. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) تأیید می‌کند که کودکان از طریق مشاهده رفتار الگوها یاد می‌گیرند. در پژوهش ونستین و گلدبرگ (۲۰۲۴) نوجوانانی که همگنی مذهبی با والدین داشتند، از عزت‌نفس بالاتری برخوردار بودند. محبت، پل انتقال ارزش‌های دینی است: خواندن داستان‌های ائمه قبل از خواب، انجام فعالیت‌های مشترک مذهبی (کاردستی‌های نمادین)، معرفی خدا به عنوان مهربان‌ترین دوست. این رویکرد با یافته‌های مارسیا (۱۹۶۶) درباره ضرورت فضای ایمن برای کاوش هویتی همخوان است. نوجوان در سایه رابطه عاطفی امن، می‌تواند بدون ترس از طرد، به پرسش‌گری دینی پردازد و به تدریج به تعهدات دینی شخصی شده دست یابد. صفا و صمیمیت با مؤلفه‌های کلیدی ایجاد می‌شود: فضای امن عاطفی، پذیرش بی‌قید و شرط فرزند، ارتباط غیررقابتی، مشورت‌گیری از نوجوان در قوانین خانواده، مراقبت هیجانی، پاسخگویی به نیازهای عاطفی در دو سال اول زندگی. پژوهش سوگیمورا (۲۰۱۸) نشان می‌دهد صمیمیت عاطفی با والدین، پیش‌بینی‌کننده قوی شکل‌گیری هویت دینی منسجم است. این فضا، شرط لازم برای سازش‌یافتگی در الگوی موعظه-صیانت است که در پژوهش اسلامی‌نسب (۱۳۹۹) تأیید شده است. این اصل بر پرهیز از تحمیل و احترام به

کرامت انسانی تأکید دارد: احترام به حریم خصوصی در امور عبادی، به کارگیری تذکر غیرکلامی به جای موعظه مستقیم، پذیرش خطاهای غیرعمد با اصل تغافل (چشم‌پوشی هوشمندانه). همسو با دیدگاه اسمارت (۱۹۹۵)، تحمیل عقاید بدون فرصت کاوش، به هویت زودرس (تعهد بدون کاوش) منجر می‌شود که در مواجهه با چالش‌ها سست می‌گردد. در مقابل، کرامت‌مداری زمینه‌ساز هویت کسب‌شده (تعهد پس از کاوش آگاهانه) است. پژوهش کاپلان و ساروکلو (۲۰۱۷) نشان می‌دهد ترکیب قاطعیت (الزام عملی) و پاسخگویی عاطفی (صفا و محبت)، مؤثرترین سبک برای شکل‌گیری هویت دینی پایدار است. والدگری مسئولانه دینی، پروژه‌ای سه‌بعدی است: خودسازی والدین (پیشاترینیتی)، الگوسازی زنده (تبدیل متن به رفتار)، رابطه‌سازی عاطفی (زمینه‌سازی برای کاوش هویتی). این الگو نه تنها با یافته‌های پرسه (۲۰۰۷) و رافیدی (۲۰۲۴) همسوست، بلکه خلأهای پژوهشی موجود (تک‌عاملی‌نگری، فقدان مدل بومی) را نیز پاسخ می‌دهد. پیامد عملی آن، طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر موعظه-صیانت است که به والدین می‌آموزد چگونه با ترکیب هدایتگری عقیدتی و احترام به عاملیت نوجوان، هویت دینی اصیل را پرورش دهند. انتقال هویت دینی به نسل جدید، نه از طریق اجبار بیرونی، بلکه از مسیر جذابیت درونی ممکن است؛ جذابیتی که در عمل صالح والدین، فضای محبت‌آمیز خانواده و احترام به کرامت انسانی متجلی می‌شود. این همان مسیر نبوی «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل ۱۲۵) و مصداق حدیث «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» است.

کد انتخابی «تدارک بافت تربیت دینی» به معنای طراحی شبکه‌های هماهنگ و یکپارچه برای ایجاد محیطی نظام‌مند در تربیت دینی نوجوانان است. این بافت دو کد محوری اصلی دارد: اول، شبکه‌های بین‌نسلی خانوادگی که بر هماهنگی ارزشی و عملی خانواده گسترده (پدربزرگ، مادربزرگ، عمه، عمو) تأکید می‌کند. پابندی عملی اعضا به مناسک دینی و نقش الگویی مادربزرگ مهربان مذهبی، فضایی امن و صمیمی ایجاد می‌کند که بارتکوفسکی، ژو و لوین (۲۰۰۸) نشان دادند محیط مذهبی خانواده گسترده،

پیش‌بینی‌کننده قوی هویت دینی نوجوانان است. این یافته با پژوهش نیک‌منش (۱۳۹۰) همسوست که دینداری نوجوانان را با برداشت از دینداری والدین و دلبستگی ایمن مرتبط می‌داند. دوم، شبکه‌های حمایتی درون اجتماعی شامل مدرسه، مسجد و حوزه‌های علمیه است. برنامه‌هایی مانند نماز جماعت ویژه دختران در مدارس، گروه‌های قرآنی مادر-دختر در مساجد و ارتباط با استادان اخلاق زن، پیام‌های دینی را همسو می‌کنند. این امر با یافته حکمت‌پور و صالحی امیری (۱۳۹۱) همخوانی دارد که تأثیر مستقیم عملکرد آموزشی نهادها (به‌ویژه مدارس) بر هویت دینی جوانان را اثبات کردند. از سوی دیگر شبکه‌های حمایتی دینی با ایجاد حلقه‌های محافظتی اجتماعی نظیر زندگی در محله‌های مذهبی، نظارت بر دوستان و محدودیت مصرف رسانه‌های مخرب تکمیل می‌شود. حیدری و رضائی باصری (۱۳۹۶) در پژوهش خود تأیید کردند که استفاده از اینترنت و ماهواره با کاهش معنادار هویت دینی در ابعاد عملی، احساسی و اعتقادی مرتبط است. این بافت سه‌لایه‌ای با ایجاد اکوسیستمی هم‌نوا، تربیت دینی را از سطح فردی به نظامی اجتماعی ارتقا می‌دهد. التزام عملی خانواده گسترده (سنگ‌بنای بافت) و شبکه حمایتی (محافظت در برابر آسیب‌ها) در کنار یکدیگر، محیطی پایدار برای شکل‌گیری هویت دینی اصیل فراهم می‌کنند. همان‌گونه که ماهونی و تراکشوار (۲۰۰۵) تأکید کرده‌اند، سطح دینداری والدین نقش محوری در این فرآیند دارد و بارتکوفسکی (۲۰۰۸) انسجام روایت دینی در خانواده گسترده را تضمین‌کننده انتقال ارزش‌ها به نسل بعد می‌داند.

کد انتخابی موانع و چالش‌ها به چالش‌های ساختاری و تهدیدات بیرونی اشاره دارد که تربیت دینی نوجوانان را تضعیف می‌کند. این چالش‌ها دو کد محوری اصلی دارند: اول، جریان‌های ضد فرهنگی و تهاجم رسانه‌ای غربی که شامل نرمال‌سازی روابط نامشروع در سریال‌های ماهواره‌ای، ترویج مدگرایی افراطی در اینستاگرام، تحریف شخصیت‌های زن مسلمان در بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی مخرب است. این تهاجم سازمان‌یافته با ارائه الگوهای متضاد با ارزش‌های دینی، هویت نوجوانان را مورد هدف قرار می‌دهد. همسو با این یافته، پژوهش حیدری و رضائی باصری (۱۳۹۶) نشان داد که

استفاده از اینترنت و ماهواره با کاهش معنادار هویت دینی در ابعاد عملی، احساسی و اعتقادی مرتبط است. سلطان محمدی و پورسید آقایی (۱۴۰۲) نیز تأیید کردند که مواجهه با محتوای رسانه‌ای غربی، سردرگمی هویتی و تعارض ارزشی را در نوجوانان تشدید می‌کند. دوم، گسست نسل‌ها که در قالب کاهش اعتماد به نهادهای سنتی مذهبی، تعارض ارزشی در انتخاب همسر آینده و تمایل به سبک زندگی غربی در بین همسالان ظاهر می‌شود. این گسست موجب می‌شود انتقال ارزش‌های دینی بین نسلی با اختلال مواجه شود. پژوهش حقانی‌زمیدانی و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد که شکاف دیجیتالی بین نسل‌ها (تفاوت در استفاده از فضای مجازی) یکی از عوامل کلیدی تشدید این گسست است. صیاد شیرازی و نوری (۱۴۰۲) نیز در مطالعه خود به کاهش ۴۰ درصدی اعتماد نوجوانان به نهادهای مذهبی سنتی در پنج سال اخیر اشاره کردند که مستقیماً با افزایش مصرف رسانه‌های غربی مرتبط است. این چالش‌ها در تعامل با یکدیگر اکوسیستم مخربی ایجاد می‌کنند: تهاجم رسانه‌ای با ارائه الگوهای متضاد، بستر شناختی نوجوان را مخدوش می‌کند؛ گسست نسل‌ها زیرساخت انتقال ارزشی خانواده را تضعیف می‌نماید. همان‌گونه که حیدری و رمضان‌باصری (۱۳۹۶) هشدار داده‌اند، تداوم این روند می‌تواند به فروپاشی سه‌لایه‌ای هویت دینی (باورها، عواطف، اعمال) منجر شود. پژوهش حقانی‌زمیدانی (۱۴۰۳) نیز تأکید می‌کند که حل این چالش‌ها مستلزم رویکردی دوجبه‌ای است: مقابله هوشمند با تهاجم رسانه‌ای از طریق تولید محتوای جذاب دینی و بازتعریف روش‌های انتقال ارزش‌ها با درک نیازهای نسل جدید.

کد انتخابی «تربیت تعاملی توحیدمحور» به معنای طراحی فرآیندی پویا و مشارکت‌محور برای درونی‌سازی ارزش‌های دینی در نوجوانان است. این الگو پنج کد محوری کلیدی دارد: تربیت تدریجی نخستین کد محوری است که بر گام‌گذاری متناسب با رشد شناختی و عاطفی نوجوان تأکید دارد. آموزش احکام بلوغ به زبان ساده توسط مادران، شروع حجاب از مقنعه کودکانه در ۷ سالگی و مسئولیت‌پذیری پلکانی (مانند مدیریت پذیرایی در مراسم مذهبی) نمونه‌هایی از این رویکرد هستند. همسو با این یافته،

نیک‌منش (۱۳۹۰) نشان داد که دینداری نوجوانان با آموزش تدریجی و متناسب با سن همبستگی مثبت دارد. توانمندسازی اعتقادی دومین کد محوری است که بر ایجاد فضای امن برای پرسشگری و مقابله هوشمند با تهدیدات تمرکز دارد. استفاده از چت گروه‌های خانوادگی برای طرح شبهات، مشاوره با روان‌شناسان مذهبی و بازی‌های نقش‌آفرینی برای حل تعارضات اعتقادی، به نوجوانان اجازه می‌دهد باورهای خود را بازبینی کنند. این یافته با پژوهش حکمت‌پور و صالحی امیری (۱۳۹۱) همخوانی دارد که بر ضرورت گفت‌وگوی انتقادی در انتقال معارف دینی تأکید کردند. همچنین کارگاه‌های تحلیل فیلم با رویکرد دینی، آموزش فنون اقناع و محدودیت ارتباط با افراد غیرمذهبی، از جمله راهبردهای این توانمندسازی است. حیدری و رضانی باصری (۱۳۹۶) هشدار دادند که عدم نظارت بر این حوزه، به کاهش معنادار هویت دینی منجر می‌شود. نظارت بر مصرف رسانه‌ای چهارمین کد محوری شامل راهبردهای کنترلی هوشمند است: ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی تا ۱۴ سالگی، نصب نرم‌افزارهای کنترلی با مشارکت نوجوان و جایگزین‌سازی بازی‌های رایانه‌ای با رسانه‌های معارفی. این یافته با نتایج حیدری و رضانی باصری (۱۳۹۶) درباره تأثیر منفی اینترنت بر هویت دینی همسوست. تشویق و دلگرم‌سازی پنجمین کد محوری با استفاده از تقویت مثبت (هدیه‌های معنوی، تشویق کلامی با استناد به آیات و افتخار کردن به پابندی مذهبی فرزندان) انگیزه درونی ایجاد می‌کند. ماهونی و تراکشوار (۲۰۰۵) نشان دادند چنین روش‌هایی پذیرش باورهای دینی را تا ۴۰ درصد افزایش می‌دهد. این مقوله پنج‌بعدی، با تلفیق تدریج‌گرایی، توانمندسازی، نظارت هوشمند، تشویق، چارچوبی جامع برای تربیت دینی اصیل ارائه می‌دهد. همان‌گونه که بارتکوفسکی (۲۰۰۸) تأکید می‌کند، تلفیق این مؤلفه‌ها در خانواده‌های موفق، ضامن شکل‌گیری هویت دینی پایدار در نوجوانان است.

کد انتخابی «تحقق حیات طیبه» به معنای دستیابی به حیات پاکیزه مبتنی بر ارزش‌های توحیدی در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی است. این مفهوم سه کد محوری اصلی دارد: حیات طیبه فردی نخستین کد محوری، بر تجلی عبودیت در سبک زندگی شخصی

تمرکز دارد. نمونه‌های عینی آن شامل هدفمندی در زندگی، نگارش خاطرات معنوی، خلق آثار هنری دینی (نقاشی/شعر) و انفاق بخشی از درآمد است. این یافته با پژوهش نیک‌منش (۱۳۹۰) همسوست که نشان می‌دهد دینداری نوجوانان با امید به آینده و رضایت از زندگی ارتباط معنادار دارد. دلشاد تهرانی (۱۳۹۳) نیز بر ضرورت «ایمان آگاهانه» به عنوان اساس حیات طیبیه فردی تأکید کرده است. حیات طیبیه خانوادگی دومین کد محوری، بر تداوم ارزش‌های دینی در کانون خانواده متمرکز است. طراحی آیین‌های خانوادگی بر اساس سیره اهل بیت، نقش آفرینی دختران در مراسم مذهبی فامیل و تداوم سنت‌ها (مانند خواستگاری در حرم)، مصادیق این حیات هستند. همسو با این امر، بارتکوفسکی، ژو و لوین (۲۰۰۸) اثبات کردند انتقال نسلی ارزش‌ها در خانواده‌های منسجم دینی، عامل کلیدی بقای حیات طیبیه خانوادگی است. پژوهش حکمت‌پور و صالحی امیری (۱۳۹۱) نیز رضایت والدین از تربیت دینی فرزندان را با تحکیم خانواده مرتبط دانسته‌اند. حیات طیبیه اجتماعی سومین کد محوری، کنشگری دینی در عرصه عمومی را هدف می‌گیرد. عضویت در گروه‌های جهادی سلامت دخترانه، تدریس داوطلبانه قرآن در محلات محروم و راه‌اندازی کسب‌وکارهای حلال‌محور (مانند تولید پوشش اسلامی) نمونه‌های این مؤلفه‌اند. این یافته با تحقیق حیدری و رمضان‌باصری (۱۳۹۶) همخوانی دارد که نشان داد نوجوانان با هویت دینی اصیل، تمایل بالایی به اثربخشی اجتماعی دارند. ماهونی و تراکشوار (۲۰۰۵) نیز دینداری والدین را پیش‌نیاز تربیت نسل مسئولیت‌پذیر اجتماعی معرفی کرده‌اند. تحقق حیات طیبیه، محصول تعامل سه‌لایه فردی (تقوا و هنر دینی)، خانوادگی (تداوم سنت‌ها) و اجتماعی (کنشگری جهادی) است. همان‌گونه که بارتکوفسکی (۲۰۰۸) تأکید می‌کند، خانواده‌های موفق با ایجاد انسجام ارزشی، نه تنها رضایت فردی، بلکه زمینه‌ساز جامعه‌ای با «صلح و امنیت» می‌شوند. این الگو، دستیابی به «عاقبت بخیری» را - که نیک‌منش (۱۳۹۰) آن را ثمره دینداری اصیل می‌داند - ممکن می‌سازد.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که پژوهش حاضر با ارائه الگوی پنج‌بُعدی

تکوین هویت دینی، نشان می‌دهد تربیت دینی موفق، محصول تعامل پویای پنج لایه کلیدی است: والدگری مسئولانه دینی با محوریت عمل صالح والدین که سنگ بنای اعتبار این الگوست و جهان‌بینی دینی فرزند را شکل می‌دهد؛ تدارک بافت تربیتی از طریق شبکه‌های بین‌نسلی و درون اجتماعی که انتقال ارزش‌ها را نظام‌مند می‌کند؛ تربیت تعاملی توحیدمحور با پنج مؤلفه‌ی تدریج‌گرایی، توانمندسازی اعتقادی، نظارت هوشمند و تشویق که ایمان آگاهانه را پرورش می‌دهد؛ چالش‌شناسی هوشمند شامل تهاجم رسانه‌ای و گسست نسلی که سه‌لایه هویت دینی (اعتقاد، عاطفه، عمل) را تهدید می‌کند؛ و تحقق حیات طیبه در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی که عاقبت‌بخیری و جامعه‌پذیری دینی را محقق می‌سازد. این الگو نه تنها خلأ مدل‌های تک‌بعدی پیشین را پر می‌کند، بلکه با تأکید بر تعامل خانواده-نهاد-جامعه، توازن هدایتگری و عاملیت نوجوان و راهبرد مقابله هوشمند با تهدیدات چهارچوبی بومی برای تدوین برنامه‌های تربیتی و سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی ارائه می‌دهد. سرانجام آنکه تحقق حیات طیبه - به مثابه اوج تربیت دینی - در گرو تبدیل این الگو به زیست‌بوم یکپارچه‌ی معنا ساز است که صلاح فرد و فلاح جامعه را هم‌زمان تأمین می‌کند.

محدودیت‌های پژوهش شامل چندین جنبه است که بر نتایج آن تأثیر گذاشته است. نخست، تمرکز مطالعه بر خانواده‌های تهرانی با سطح اقتصادی-اجتماعی متوسط به بالا، انتقال‌پذیری یافته‌ها به مناطق محروم یا شهرهای کوچک را محدود می‌کند، به‌ویژه در مؤلفه‌هایی مانند شبکه حمایتی محله‌ای. همچنین، داده‌ها مبتنی بر خودگزارشی والدین از تجارب گذشته بود که ممکن است تحت تأثیر تحریف‌های حافظه یا تمایل به ارائه تصویر مطلوب قرار گرفته باشد. علاوه بر این، باوجود شناسایی فشار همسالان غیرمذهبی به عنوان چالش، مطالعه به عمق نقش همسالان در تقویت یا تضعیف راهبردهای تربیتی والدین نپرداخت. درنهایت، اگرچه وحدت رویه والدین به عنوان کُد محوری تأیید شد، اما سهم اختصاصی هر یک از والدین در الگو، تفکیک نشد. برای رفع این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به اعتبارسنجی الگوی پنج‌بعدی در بافت‌های مختلف

بپردازند. با توجه به شناسایی شبکه‌های بین‌نسلی و درون اجتماعی مؤثر به‌عنوان شرایط زمینه‌ساز، این الگو می‌تواند در استان‌هایی با ساختار خانوادگی متفاوت (مانند جوامع عشایری، قومیت‌های گوناگون یا مناطق مرزی) اعتبارسنجی شود تا تأثیر متغیرهای فرهنگی-اجتماعی بر کارآمدی الگو بررسی گردد. همچنین، واکاوی راهبردهای رسانه‌ای در مواجهه با چالش‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. یافته‌ها نشان داد که تهاجم رسانه‌ای غربی به‌عنوان مانع اصلی، مستلزم راهبردهای هوشمندانه (مانند جایگزین‌سازی خلاقانه) است؛ بنابراین، مطالعه‌ای کیفی پیرامون طراحی بسته‌های آموزشی مبتنی بر مؤلفه توانمندسازی اعتقادی پیشنهاد می‌شود. درنهایت، تبیین الگوی حیات طیبه در سطوح کلان می‌تواند به کشف پیامدهایی مانند کنشگری جهادی و اقتصاد حلال محور منجر شود. پژوهش‌های آتی می‌توانند شاخص‌های عینی تحقق این مفهوم در سطح جامعه (مانند تأثیر کسب و کارهای اسلامی بر هویت جمعی) را کمی‌سازی کنند. سایر پیشنهادها پژوهشی عبارت‌اند از: این پژوهش مبتنی بر نظرات و دیدگاه‌های والدین از تربیت دینی دختران نوجوان با هویت دینی است؛ و مصاحبه‌ها با والدین صورت گرفته است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی فرزندان مورد مصاحبه قرار گیرند و این موضوع از نگاه آن‌ها بررسی شود. در این پژوهش پژوهشگر به روش‌هایی که والدین اتخاذ کرده‌اند تا در نوجوانان سبب هویت دینی شده، پرداخته است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی الگوهایی در والدین که سبب دین‌گریزی نوجوانان می‌شود، بررسی شود

با استناد به راهبرد «تربیت پلکانی» (شروع حجاب از مقنعه کودکانه)، مدارس و سایر نهادهای تربیتی - آموزشی می‌توانند برنامه‌های آموزشی گام‌به‌گام برای والدین طراحی کنند که متناسب با مراحل رشدی دختران و مبتنی بر کدهایی همچون «تربیت تدریجی» باشد. با توجه به ضرورت «فضای پرسش و پاسخ ایمن» در یافته‌ها، نهادهای مذهبی می‌توانند پلتفرم‌های دیجیتال برای گفت‌وگوی نوجوانان با کارشناسان دینی (بانوان) ایجاد کنند تا شبهات مبتنی بر «گسست نسل‌ها» در محیطی امن حل شوند. تدوین سند سیاست‌گذاری رسانه‌ای نیز یکی دیگر از پیشنهادها این پژوهش است. یافته مربوط به

«نظارت هوشمند بر مصرف رسانه» (مانند ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی تا ۱۴ سال) می‌تواند مبنای طراحی سند سیاستی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد تا با مشارکت خانواده‌ها، قوانین حمایتی بازتعریف شود.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش زیر دارای کداخلاق از دانشگاه الزهرا به شماره ۱۴۰۲،۰۹۰ می‌باشد.

سپاسگزاری

از تمامی والدینی که در این پژوهش شرکت کرده‌اند قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

تعارض منافی وجود ندارد.

ORCID

Zahra Eslami Khouzani

Zahra sadat Pour seyed

Aghaei

Mojtaba Haghani

zemeydani



<https://orcid.org/0009-0009-4014-9372>



<https://orcid.org/0000>



<https://orcid.org/>

منابع

- توتونچی، بهاره. رضائیان، حمید (۱۳۹۸). پیش‌بینی هویت دینی فرزندان بر اساس الگوهای تعاملی خانواده، دینداری والدین و تفکر انتقادی نوجوان، نشریه مطالعات زن و خانواده، ۷(۳)، ۱۰۹-۱۲۸.
- حاجی‌هاشم، فاطمه؛ پاک‌سرشت، الهه؛ اسمعیلی، آزاده؛ محمدکاظمی، زهرا (۱۴۰۳). نقش‌های مؤثر والدینی در گرایش نوجوانان دختر به حجاب اسلامی. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۹ (۶۸)، ۱۱-۳۷.
- حقانی زمیدانی، مجتبی؛ حق‌پرست، سیده لیلا؛ اسمعیلی، معصومه؛ عظیمی، علی (۱۴۰۳). شکل‌گیری هویت و الگوبرداری از افراد شاخص در نوجوانان دختر: یک مطالعه پدیدارشناختی. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۹ (۶۶)، ۲۲۵-۲۶۷.
- حکمت پور، مریم و صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان (مطالعه موردی منطقه ۱ و ۵ شهر تهران). مدیریت فرهنگی، ۶(۱۸)، ۴۹-۵۹.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۸). سایه‌سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان)، ج ۶، ص ۲۵ (با اندکی ویرایش)، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- خلیلی ارجقی، بتول (۱۳۹۵). بررسی نقش وراثتی و تربیت فرزندان در قرآن و فقه شیعه و تأثیر آن در تربیت دینی خانواده در شهرستان مشکین‌شهر، پایان‌نامه منتشر شده کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشکین‌شهر، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- خوش‌چهره، مریم (۱۴۰۰). رابطه سبک‌های فرزند‌پروری ادراک‌شده با پابندی به تعالیم دینی: نقش میانجی سبک‌های هویت در نوجوانان دختر. پایان‌نامه منتشر شده کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره.

دل‌بند، مهدی؛ نیکونهاد، ایوب (۱۴۰۴). شناسایی و تحلیل پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده هویت دینی در جامعه ایرانی. *آینده‌پژوهی/انقلاب/اسلامی*، ۶ (۱)، ۱۰۳-۱۲۷.

دلشاد تهرانی، مصطفی؛ واعظی، رضا؛ خان محمدی، هادی (۱۳۹۳). الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نه‌البالغه. *مدیریت سازمان‌های دولتی*. ۷(۲)۳.

سلطان محمدی، عطیه؛ پورسید آقایی، زهرا سادات (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی پدیدارشناسانه هویت جنسیتی دختران نوجوان در فضای مجازی. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۴ (۵۴)، ۶۱-۸۴.

سلگی، محمد (۱۳۸۹). سنجش ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر انسجام هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، به‌منظور ارائه یک مدل روابط ساختاری. رساله دکتری. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.

صمدی، معصومه (۱۴۰۱). بررسی علل آسیب‌پذیری نظام آموزشی در پرورش هویت دینی دانش‌آموزان. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۳ (۹۱)، ۳۳-۵۴.

صیاد شیرازی، مریم؛ نوری، ناعمه (۱۴۰۲). پیش‌بینی پایداری دینی بر اساس سبک‌های هویت دانشجویان دختر: نقش میانجی ابعاد کارکرد خانواده. *دستاوردهای روانشناسی بالینی*، ۹ (۲)، ۲۹-۴۰.

فیروزی، فرحناز؛ امامی، سعیده (۱۳۹۸). بررسی تأثیر رسانه بر شکل‌گیری هویت ملی در سنین کودکی و نوجوانی. *سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی*، دانشگاه پیام نور استان قزوین.

قاسمی، حمیده و هاشمی، اسماعیل (۱۳۹۸). عنوان فارسی: الگوی ساختاری روابط بین ادراک از دینداری والدین و دینداری فرزندان با توجه به نقش میانجیگر سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و سبک فرزندپروری *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۶ (۱۱)، ۷-۲۴.

ماهروزاده، طیبه (۱۳۹۲). جهانی‌شدن و هویت‌یابی دینی نوجوانان. *تربیت اسلامی*، ۸ (۱۶)، ۱۳۹-۱۶۲.

موسوی، سیده فاطمه؛ روشنی، شهره (۱۴۰۳). مطالعه نگرش‌های والدگری متمرکز، اهداف و

کمال‌گرایی والدینی در پدران و مادران خانواده‌های ایرانی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۵ (۵۷)، ۲۹-۵۷.

نیک‌منش، زهرا (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر دینداری نوجوانان: تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۰۸ (۶۶-۴۷).

و بر، ماکس (۱۳۹۸). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نشر مرکز

References

- Adams, G. R. & Jones, R. M. Female adolescents' identity development: Age comparisons and perceived child-rearing experiences. *Developmental Psychology*, 1983, 19, 249-256.
- Azaditalab, A. Khodabakhshi Koolae, A. Falsafinejad, M. R. & Kashani Vahid, L. (2025). A Grounded Theory Exploration of Environmental, Societal, and Contextual Factors Affecting Adolescent Identity Development in Dysfunctional Families: A School Counselor's Perspective. *International Journal of Body, Mind & Culture* (2345-5802), 12(2).
- Baker, B. (2025). More Alike Than Different: A Qualitative Analysis of Parental Moral Instruction Across Ethnicity and Gender. *Available at SSRN* 5320160.
- Becht, A. Nelemans, S. Van Dijk, M. P. A. Branje, S. J. T. van Lier, P. A. C. Denissen, J. & Meeus, W. H. J. (2017). Clear self, better relationships: Adolescents' self-concept clarity and relationship quality with parents and peers across five-years. *Child Development*, 88, 1823-1833.
- Branje, S. de Moor, E.L. Spitzer, J. and Becht, A.I. (2021), Dynamics of Identity Development in Adolescence: A Decade in Review. *J Res Adolesc*, 31: 908-927
- Branje, Susan. (2022) Adolescent identity development in context, *Current Opinion in Psychology*, Volume 45, 1-6
- Chaudhury, S. R. & Miller, L. (2008). Religious identity formation among Bangladeshi American Muslim adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 23(4), 383-410.
- Cohen-Malayev, Maya; Schachter, Elli P. Rich Yisrael. (2014). Teachers and the religious socialization of adolescents: Facilitation of meaningful religious identity formation processes. *Journal of Adolescence*, 37: 205-214.
- Dollahite, David; Thatcher, Jennifer. (2008). Talking About Religion How Highly Religious Youth and Parents Discuss Their Faith. *Journal of*

- Adolescent Research*, 23,611-641.
- Fisherman, S. (2011). Socialization agents influencing the religious identity of religious Israeli adolescents. *Religious Education*, 106(3), 272-298.
- Francis, L. J and Gibson, H M. (1993b). Television, pop culture and the drift from Christianity during adolescence. *British Journal of Religious Education*, 15: 31 – 37.
- Francis, L. J. & Brown, L. B. (1991). The influence of home, church and school on prayer among sixteen-year-old adolescents in England. *Review of religious research*, 112-122.
- Francis, Leslie. (2009) Parental Influence and Adolescent Religiosity: A Study of Church Attendance and Attitude Toward Christianity Among Adolescents 11 to 12 and 15 to 16 Years Old. *The International Journal for the Psychology of Religion* 4(3): 241-253
- Gunnoe, M. L. & Moore, K. A. (2002). Predictors of religiosity among youth aged 17–22: A longitudinal study of the National Survey of Children. *Journal for the scientific study of religion*, 41(4), 613-622.
- Guo, Siying (2018). A model of religious involvement, family processes, self-control and juvenile delinquency in two parent family. *Journal of Adolescence* 63:175-190.
- Gutierrez, I. A. Goodwin, L. J. Kirkinis, K. & Mattis, J. S. (2014). Religious socialization in African American families: The relative influence of parents, grandparents, and siblings. *Journal of Family Psychology*, 28(6), 779.
- King, P. E. & Roeser, R. W. (2009). Religion and spirituality in adolescent development. *Handbook of adolescent psychology*, 1.
- Mahoney, A. & Tarakeshwar, N. (2005). Religion's role in marriage and parenting in daily life and during family crises. *Handbook of the psychology of religion and spirituality*, 177-195.
- Martin, T. F. White, J. M. & Perlman, D. (2003). Religious socialization: A test of the channeling hypothesis of parental influence on adolescent faith maturity. *Journal of Adolescent Research*, 18(2), 169-187.
- Mason, A. Craig, Hilda, Pantin and Seth, J. Schwartz (2009). "Longitudinal Relationships Between Family Functioning and Identity Development in Hispanic Adolescents Continuity and Change". April. pp.177-211.
- Mena Matos, Paula. Barbosa, Sonia. Milheiro de Almedia, Helena. Emilia Costa, Maria (1999) Parental attachment and identity in Portuguese late adolescents, *Journal of Adolescence*, Volume 22, Issue 6, Pages 805-818,
- Munir, A. Malik, J. A. & Wakefield, J. (2020). Mediating role of religious orientation and moral character for the relationship between parent

- and peer attachment and delinquency. *Cogent Psychology*, 7(1).
- Myers, T. W. (1996). *Religion and morality in the philosophy of David Hume*.
- Myers, Terry Walker (1996). "Religion and morality in the philosophy of David Hume." *Electronic Theses and Dissertations*. 3314
- Okagaki Lynn. Hammond KA. Seamon L. (1999) Socialization of Religious Beliefs, *J Applied Development psychology* 20 (2) 273 – 294.
- Pantin, H. Schwartz, S.J. Sullivan, S. Coatsworth, J.D. & Szapocznik, J. (2003). Preventing substance abuse in Hispanic immigrant adolescents: An ecodevelopmental, parent-centered approach. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 25, 469-500.
- Pearce, L.D. and Thornton, A. (2007), Religious Identity and Family Ideologies in the Transition to Adulthood. *Journal of Marriage and Family*, 69: 1227-1243
- Rafidi, N. M. M. Saibon, J. & Seliban, A. S. A. (2024). parenting style and self-identity among secondary school students. *Journal of Islamic*, 9(66), 1-8.
- Reis, O. & Youniss, J. (2004). Patterns in identity change and development in relationships with mothers and friends. *Journal of Adolescent Research*, 19(1), 31-44.
- Sawyer, S. M. Azzopardi, P. S. Wickremarathne, D. & Patton, G. C. (2018). The age of adolescence. *The lancet child & adolescent health*, 2(3), 223-228.
- Schachter, E. P. (2018). Intergenerational, unconscious, and embodied: Three underdeveloped aspects of Erikson's theory of identity. *Identity*, 18(4), 315–324
- Smart, N. (1995). The Values of Religious Studies. *Journal of Beliefs and Values*, 16(2), 7-10.
- Sugimura, K. Crocetti, E. Hatano, K. Kaniūšonytė, G. Hihara, S. & Žukauskienė, R. (2018). A cross-cultural perspective on the relationships between emotional separation, parental trust, and identity in adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 47, 749–759.
- Van Cappellen, P. Fredrickson, B. L. Saroglou, V. & Corneille, O. (2017). Religiosity and the motivation for social affiliation. *Personality and individual differences*, 113, 24-31.
- Watkins, C. & Butler, J. (2025). *Christian Faith and Christian Learning: A Theological Action Research Account*. Taylor & Francis.

Weinstein SE, Goldberg SJ. *Spiritual Influences on Jewish Modern Orthodox Adolescents. Religions.* 2024; 15(4):509. <https://doi.org/10.3390/rel15040509>.

استناد به این مقاله: اسلامی خوزانی، زهرا، پورسیدآقای، زهراسادات، حقانی زمیّدانی، مجتبی. (۱۴۰۴). تدوین الگوی تکوین هویت دینی در دختران بر اساس سبک‌های تربیتی والدین: مطالعه کیفی داده‌بنیاد، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۶(۶۳)، ۴۷-۸۴. DOI: 10.22054/qccpc.2025.81440.3350



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.